

نقش سازمان پیمان امنیت جمعی در امنیت اوراسیای مرکزی

احسان تقوایی¹

تنظیم روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله روسیه یکی از موضوع‌های مهم در روابط خارجی دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز پس از استقلال بوده است. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل مشکلات داخلی و دغدغه‌های امنیتی و به منظور تامین منافع خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی همواره از استراتژی اتحاد و ائتلاف برای بیشینه کردن منافع خود استقبال کرده‌اند. البته فرهنگ همکاری چندجانبه در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هنوز نهادینه نشده است و برخی خصومت‌ها و مشکلات در زمینه همکاری میان دولت‌های منطقه وجود دارد که به عنوان یک عامل مهم مشترک باعث شده است که آنها از همکاری با تشکل‌های چندجانبه استقبال نکنند؛ این عامل حفظ و بقای حکومت است که از سوی تروریسم، افراط‌گرایی، اختلاف‌های قومی و نژادی، جدایی‌طلبی و ناکارآمدی تهدید می‌شود. مسائل آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل پیچیدگی و درهم‌تنیدگی فقط از طریق روابط دوجانبه قابل حل و فصل نیست.

از این‌رو، همکاری چندجانبه میان دولت‌های منطقه و یا همکاری با سازمان‌ها و اتحادیه‌های دیگر به عنوان یک استراتژی در روابط خارجی کشورهای این منطقه مطرح است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت دسته جمعی، سازمان پیمان امنیت جمعی و اوراسیای مرکزی.

¹. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

مقدمه

اوراسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود جزء حساس‌ترین و مهم‌ترین مناطق دنیا به حساب می‌آید. این منطقه با گذشت دو دهه از استقلال هنوز از مناطق استراتژیک جهان محسوب می‌شود. هر یک از کشورهای تازه استقلال یافته از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و شرایط تهدیدها و رفع تهدیدها دارای واقعیت‌های مختلفی هستند. این کشورها در ضمن که دارای ویژگی‌های مشترکی از قبیل چگونگی روابط با روسیه، بنیادگرایی اسلامی، جنایات سازمان یافته، تدوین استراتژی‌های امنیتی و آیین‌های نظامی هستند؛ اما در نوع برخورد با مسائل امنیتی و تهدیدهای پیش رو هر کدام تعریف خاصی برای خود دارند و نگرش آنها به ترتیبات امنیتی محل افتراق در موضع‌گیری این جمهوری‌ها محسوب می‌گردد.

تنظیم روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله روسیه یکی از موضوع‌های مهم در روابط خارجی دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز پس از استقلال بوده است. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل مشکلات داخلی و دغدغه‌های امنیتی و به منظور تامین منافع خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی همواره از استراتژی اتحاد و ائتلاف برای بیشینه کردن منافع خود استقبال کرده‌اند. با توجه به این که هنوز فرهنگ همکاری چندجانبه در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هنوز نهادینه نشده و برخی خصومت‌ها و مشکلات در زمینه همکاری میان دولت‌های منطقه وجود دارد که به عنوان یک عامل مهم مشترک باعث شده است که آنها از همکاری با تشکل‌های چندجانبه استقبال کنند. این عامل حفظ و بقای حکومت است که از سوی تروریسم، افراط‌گرایی، اختلاف‌های قومی و نژادی، جدایی‌طلبی و ناکارآمدی تهدید می‌شود. مسائل آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل پیچیدگی و درهم تنیدگی فقط از طریق روابط دوجانبه قابل حل و فصل نیستند. از این رو، همکاری چندجانبه میان دولت‌های منطقه و یا همکاری با سازمان‌ها و اتحادیه‌های دیگر به عنوان یک استراتژی در روابط خارجی کشورهای منطقه مطرح است. در این مقاله نگارنده در پی پاسخ به این سوال است که نقش سازمان پیمان امنیت جمعی در امنیت اوراسیای مرکزی چیست؟ در پاسخ به این سوال این فرضیه مطرح شده است که این سازمان بیشتر به صورت ابزاری در دست روسیه عمل کرده است و به طور کلی نتوانسته به تامین امنیت در این منطقه بپردازد.

تمهیدات نظری

ارائه یک تعریف دقیق از مفهوم امنیت امروزه بسیار مشکل به نظر می‌رسد. در زمان‌های گذشته امنیت مفهومی نظامی بود و همین درک از امنیت مدنظر سیاستمداران و صاحب‌نظران بوده است. ولی در حال حاضر ملاحظات اقتصادی و مسائل مربوط به رفاه و امنیت ملی موجب شده تا اهمیت امنیت بیشتر شده و در نتیجه تعریف آن پیچیده‌تر شود. نکته مهم در مورد امنیت این است که در کشورهای مختلف هماهنگی و انسجامی برای رسیدن به امنیت وجود ندارد؛ چرا که کشورها با گونه‌های مختلفی از خطر و تهدید مواجه هستند. حتی اگر کسی ادعا کند که میزان امنیت لازم برای همه کشورها یکسان است، نمی‌تواند همین ادعا را در مورد وسایل لازم برای رسیدن به امنیت داشته باشد.

در تحلیل مطالعه روابط بین الملل به عنوان هنر علم بقای بشر، جنبه امنیتی آن دارای ارزش فراوانی است. علاوه بر این ثابت شده است که امنیت مفهومی فوق‌العاده قدرتمند در روابط بین الملل برخوردار است و هیچ مفهومی به آن امنیت اهمیت ندارد و به همین دلیل نیز انتظار می‌رود که با توجه به اهمیت آن با دقت و وسواس علمی بسیار زیادی تعریف شود (Sheehan, 2005: 5) با وجود استفاده گسترده محققان و سیاستمداران از مفهوم امنیت در طول چهار سال اخیر هنوز هم تصویر روشنی از این مفهوم وجود ندارد. اگرچه برخی محققان ادعا می‌کنند که این به دلیل قابل نقد بودن مفهوم امنیت بوده است، اما آنچه که احتمال دقیق‌تری از این امر می‌دهد عدم تعریف دقیق و روشن این مفهوم بوده است. (Baldwin, 1997: 7)

مفهوم امنیت دسته جمعی همان طور که از نام آن پیدا است تدارک دیدن امنیت برای تمامی اعضا و یا ملل می‌باشد. کار اصلی امنیت جمعی این است که از هرگونه تجاوز مسلحانه در جامعه بین الملل دفاع کند. به نظر ارگانسکی جالب‌ترین نمایش امنیت دسته جمعی در صورتی که تمامی کارها بر طبق این طرح انجام گیرد، این است که اعمال قدرت مطلقاً صورت نگیرد و تنها تهدید به اقدام نیروی امنیت جمعی برای جلوگیری از هرگونه تجاوز کافی باشد. (ارگانسکی، 1368: 48)

امنیت جمعی مستلزم پذیرش سه اصل در روابط بین دولت‌ها است تا کشورها بتوانند امنیت خود را ارتقا دهند: نخست این که آنها باید توسل به نیروهای نظامی برای ایجاد تغییر در وضعیت موجود را محکوم کنند و در مقابل موافق حل و فصل اختلافات به روش‌های صلح آمیز

باشند. بروز تغییر و تحولات در روابط بین الملل محتمل است، اما بهتر است از طریق مذاکرات عملی شود و نه توسل به زور؛ دوم این که، آنها باید دیدگاه های خود درباره منافع ملی را گسترده تر کنند به گونه ای که منافع جامعه بین المللی نیز در آن لحاظ شود؛ سوم و مهم تر از همه این که، دولت ها باید بر ترس خود که تمام سیاست جهانی را در بر گرفته، فائق آیند و پیاموند چگونه باید به یکدیگر اعتماد داشته باشند. چنین نظام امنیتی بر کشورهای متکی است که سرنوشت خود را به امنیت جمعی محول کرده اند. (بیلز، 1388: 685)

پیمان های امنیتی هم ارزشمند هستند و هم دستیابی به آنها مشکل است. به طور کلی، پیمان های امنیتی با وجود هزینه های احتمالی که دارند دارای کارکردهای مثبتی هستند که می توان فهرست وار آنها را این گونه بیان کرد:

- تقویت اصل بازدارندگی در برابر حملات احتمالی؛
- تقویت بنیان های دفاعی در برابر حملات احتمالی از جمله بهره گیری از توان دولت های متحد؛

- تقویت بازدارندگی در برابر حمله به متحدین؛
- حذف احتمالی حمله توسط دولت های متحد؛
- افزایش کنترل یا نفوذ بر دولت های متحد؛
- دستیابی به منافع مشترک احتمالی. (قاسمی، 1384: 263)
- مهار تهدیدها؛
- حفظ صلح؛
- همبستگی و انسجام سیاسی اعضای پیمان.

شکل گیری سازمان و تحولات آن

از پاییز 1992 با اوج درگیری ها در تاجیکستان، رهبران آسیای مرکزی از روسیه درخواست کردند که مطابق موافقت نامه (ماده 6 موافقت نامه مینسک) و برای حفظ ثبات و امنیت آسیای مرکزی تعهد و مسئولیت بیشتری را پذیرا شود. رئیس جمهور وقت ازبکستان که خواهان مداخله مستقیم روسیه در تاجیکستان بود، بی توجهی روسیه به مسائل تاجیکستان را موجب بروز مسائل جدی در مرزهای جنوبی خود دانست و از یلتسین درخواست کرد که به طور جدی و فعال تر با قضیه برخورد کند. رحمان نبی اف، رئیس جمهور تاجیکستان هم بارها

از روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع درخواست کمک نمود. در پی درخواست رسمی رهبران تاجیک مبنی بر اعطای کمک‌های نظامی از طرف کشورهای مستقل مشترک المنافع، جلسه‌های مشترکی بین رهبران روسیه، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در اکتبر 1992 و ژانویه 1993 برگزار شد و موافقت‌نامه تشکیل نیروهای حافظ صلح به تصویب رسید. نیروهای حافظ صلح، مرکب از سربازان روسی، ازبک، قزاق و قرقیزی به تاجیکستان اعزام شدند. در اوایل آوریل 1992 هسته اولیه سازمان دفاعی مشترک در قالب "پیمان امنیت دسته جمعی تاشکند" ایجاد گردید. (ابوالحسن شیرازی، 19:1379)

به طور کلی، می‌توان گفت که توافق‌نامه بیشکک و بیانیه آلماتی از دسامبر 1991 مجموعه‌ای از بنیادها را برای یک سیاست امنیتی مشترک میان کشورهای اوراسیای مرکزی بنا نهاد. جنگ داخلی در تاجیکستان و ناتوانایی کشورهای منطقه برای حفظ امنیت خود منجر به چند موافقت‌نامه مربوط به حفظ صلح و حل تعارض در میان کشورهای منطقه شد. این اسناد راه را برای پروتکل شکل‌گیری و استفاده جمعی از نیروهای حافظ صلح در مناطق مختلف و یا در داخل کشورهای مستقل مشترک المنافع هموار کرد و در مه 1992 منجر به ایجاد پیمان امنیت جمعی در تاشکند بین کشورهای روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان شد و بعدها نیز کشورهای ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و بلاروس به آن ملحق شدند. (Ionela Pop, 2009: 281)

در سال 1993 مولداوی و اوکراین به عضویت ناظر در پیمان امنیت دسته جمعی درآمدند، اما در ادامه ادغام این دو کشور در این پیمان فروکش کرد و در سال 1999 نیز کشورهای ازبکستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان از این پیمان خارج شدند.

در نگاه اول شاید عجیب به نظر برسد که تعداد زیادی از جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی در مدت زمان کوتاهی پس از کسب استقلال خود به معاهده‌ای پیوستند که آنها را یکبار دیگر در زمینه امنیتی با یکدیگر همگرا کرده است، اما به نظر می‌رسد که رفتار این کشورهای تازه استقلال یافته در آن زمان کاملاً قابل فهم باشد؛ چرا که با وجود تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، رهبران ستادهای کل نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی به حفظ وضع موجود در بخش نیروهای مسلح جمعی معتقد بودند. البته باید اشاره کرد که این پیمان خیلی زود دچار اختلاف شد زیرا دو تا از کشورهای عضو این پیمان یعنی ارمنستان و

جمهوری آذربایجان بر سر منطقه ناگورنو- قره باغ با هم درگیر شدند و بنا بر برخی شواهد روسیه مخفیانه به حمایت از ارمنستان پرداخت. (Saat, 2005: 7)

به منظور افزایش اثربخشی، پیمان سران دولت‌های عضو در سال 2000 اسنادی را در مینسک مورد تصویب قرار داد. تفاهم‌نامه افزایش اثربخشی پیمان امنیت جمعی و توانایی خود هماهنگ با تحولات ژئوپلیتیک و توافق در خصوص ساخت مدلی برای ایجاد سیستم امنیتی منطقه‌ای که هر دو مورد به ترویج مبارزه با تروریسم و نیاز به ساختن سریع نیروهای حافظ صلح را اشاره دارند از جمله این اقدام‌ها به شمار می‌رود. در این زمینه، شورای امنیت جمعی که یکی از عالی‌ترین ارکان این پیمان می‌باشد نیز تصمیم به تعریف سه منطقه امنیتی متمایز اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی نمود. در نشست بیشکک در اکتبر 2000 سران کشورهای عضو تصمیم گرفتند که پس از 5 سال یک نیروی امنیت جمعی ایجاد کنند. بنابراین در مه سال 2001 در نشست ایروان اعضای کشورهای عضو این پیمان دست به ایجاد یک نیروی واکنش سریع به منظور ارائه پاسخ به حملات تروریستی کردند. (Saat, 2005: 280)

در نشست سران جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع در 24 مه 2000، یادداشت تفاهمی در راستای افزایش بهره‌وری پیمان امنیت دسته جمعی و انطباق آن با شرایط سیاسی کنونی امضا شد. کشورهای عضو توافق کردند که اقدامات عملی و اجرایی را در زمینه ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی و ایجاد ساختار کنترلی جدید انجام دهند. نقطه عطف اصلی در 7 اکتبر 2002 شکل گرفت که کشورهای عضو منشور کیشینف به تاسیس سازمان پیمان امنیت جمعی پرداختند. در ماه مه 2002 پیمان امنیت جمعی به سازمان پیمان امنیت جمعی تبدیل شد و منشور این سازمان در 18 سپتامبر 2003 به اجرا درآمد. ازبکستان نیز در نشست مینسک در تاریخ 23 ژوئن 2006 به عضویت سازمان پیمان امنیت جمعی درآمد.

کارشناسان امور بین‌المللی در زمینه عضویت مجدد ازبکستان در سازمان پیمان امنیت جمعی بر این اعتقاد هستند که این کشور در زمان تصمیم‌گیری دوباره برای پیوستن به سازمان پیمان امنیت جمعی به دنبال روابط نزدیک‌تر با مسکو بوده است. پس از خشونت‌های اندیجان در سال 2005 و در زمانی که کشورهای غربی به شدت از ازبکستان انتقاد کردند، روسیه از ازبکستان حمایت کرد. همین مسئله باعث شد تا ازبکستان به متحد

نزدیک روسیه تبدیل شود و روابط ازبکستان با غرب رو به وخامت بگذارد که نتیجه این امر به خروج پایگاه نظامی آمریکا از ازبکستان منجر شد. (Fumagalli, 2011: 1)

سازمان پیمان امنیت جمعی به طور بلندپروازانه تلاش می‌کند تا قابلیت‌های خود را گسترش دهد. در اواخر سال 2003 و در نشست مسکو، شورای وزیران دفاع تصمیم گرفت که با شروع ژانویه 2004 نیروهای سازمان را از 1500 تن به 3000 تن افزایش دهد. در ژانویه 2004 نیز ستاد مشترکی از سازمان پیمان امنیتی جمعی اقدام به برگزاری مانور در قرقیزستان کرد. نتیجه این تغییرها با تقویت اقدام‌های پایگاه نظامی روسیه در کانت قرقیزستان نیز همراه شد. (Saat, 2005: 8)

در سال 2004، روسیه شروع به ترویج همکاری نظام‌مند در سازمان پیمان امنیت جمعی کرد. در ژوئن همان سال اعضای شورای امنیت جمعی و شورای وزیران دفاع برنامه‌ای را برای بخش نظامی این سازمان پایه ریزی کردند (Nikitin, 2007: 35) و جلسه مهم شورای امنیت جمعی و شورای وزیران دفاع سازمان پیمان امنیت جمعی برگزار شد که در آن در خصوص طرح‌های خود برای بخش نظامی تا سال 2010 مبنی بر نیاز به یک سیستم دفاع هوایی مشترک به منظور بهبود ارتباطات، افزایش قابلیت‌های جمع‌آوری و به اشتراک گذاشتن اطلاعات به توافق رسیدند. اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی همچنین به منظور ادامه توسعه همکاری‌های نظامی و فناوری بین کشورها تصمیم به اتخاذ یک استاندارد واحد برای آموزش و تجهیز نیروهایی با انواع خاصی از تسلیحات و تجهیزات نظامی گرفتند. علاوه بر فعالیت‌های بخش نظامی، کشورهای عضو تصمیم گرفتند تا در مورد مسائل سیاسی نیز با هم به مشورت بپردازند. (Saat, 2005: 8)

از سال 2005 گرایشی در سازمان پیمان امنیت جمعی به وجود آمد که این سازمان را به یک سازمان چند منظوره با هدف حصول اطمینان از امنیت جمعی از طریق همکاری در زمینه‌های مختلف تبدیل کند. علاوه بر این در سال 2009 و در مقابله با تهدیدهای متقارن و نامتقارن، نیروی واکنش سریع تشکیل شد. (www.harvardbssp.org/static...)

در ژانویه 2006 نیکلای بوردیژو، دبیرکل سازمان پیمان امنیت جمعی اعلام کرد، این سازمان در صورتی که جمهوری آذربایجان به ارمنستان حمله نظامی کند از خود واکنش نشان خواهد داد و در مصاحبه با روزنامه نزاویسیمایاگازیتا اعلام کرد که طبق ماده 4 پیمان امنیت جمعی، تجاوز علیه هر کدام از اعضای این سازمان به منزله حمله به تمامی

اعضای سازمان خواهد بود و سازمان پیمان امنیت جمعی در این زمینه به اساسنامه خود عمل می‌کند. (<http://www.globalsecurity.org/...>)

سازمان پیمان امنیت جمعی پس از جنگ روسیه و گرجستان تقویت شد. بر طبق طرح استرافورت، 16 هزار سرباز برای نیروهای واکنش سریع سازمان پیمان امنیت جمعی در نظر گرفته شده است که از این تعداد روسیه متعهد به 8000 سرباز، قزاقستان 4000 سرباز و تاجیکستان، قرقیزستان، ارمنستان و بلاروس هر کدام 1000 سرباز شده‌اند. در این طرح 5000 سرباز جهت منطقه آسیای مرکزی در نظر گرفته شده است. (Muzalevsky, 2009: 2)

از سال 2003، نیروهای ویژه و نیروهای مرزی کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی به طور منظم در عملیات مبارزه با مواد مخدر شرکت کردند. در دوره 2003 تا 2006، طی این عملیات‌ها 48 تن مواد مخدر از جمله مواد مخدر روان‌گردان و حدود 540 تن از مواد پیش‌ساز مواد مخدر مصادره شد. از سال 2004 سازمان پیمان امنیت جمعی مانور سالانه‌ای به نام روبژه (مرزی) در کشورهای آسیای مرکزی با هدف مقابله با تهدیدهای امنیتی منطقه‌ای انجام می‌دهد. مانور اول، در سال 2004 در قزاقستان و قرقیزستان با شرکت سربازان نیروهای واکنش سریع جمعی و واحدهای عملیاتی از وزارت کشور روسیه انجام گرفت. مانورهای بعدی روبژه، سال 2005 در تاجیکستان، سال 2006 در قزاقستان و سال 2007 در تاجیکستان برگزار شد. (Paramanove and Stolpovski, 2008: 7)

در سال 2004 روسیه با توجه به تقویت همکاری‌های بین کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی، خواستار لغو کمیته بین‌دولتی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در همکاری نظامی و اقتصادی شد و پیشنهاد کرد که کار این هیأت باید تحت نظارت سازمان پیمان امنیت جمعی قرار بگیرد. این طرح توسط همه کشورهای دیگر مورد حمایت قرار گرفت و در 15 سپتامبر سال 2004 شورای سران دولت‌های کشورهای مستقل مشترک‌المنافع این کمیته را لغو کردند. در 23 آوریل سال 2005 روسای جمهور کشورهای عضو پیمان (روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) فرمان ایجاد کمیته بین‌دولتی سازمان پیمان امنیت جمعی را برای همکاری نظامی و اقتصادی امضاء کردند. هدف از ایجاد این کمیته متحد و هماهنگ کردن تلاش‌های کشورهای عضو سازمان برای تعمیق و بهبود همکاری، ادغام بیشتر برای مقابله با مشکلات همکاری‌های نظامی و اقتصادی بود. (Paramanove and Stolpovski, 2008: 9)

مراحل توسعه سازمان پیمان امنیت جمعی

به طور کلی، سازمان پیمان امنیت جمعی از ابتدای تاسیس خود در قالب پیمان امنیت دسته جمعی تاشکند تاکنون 4 مرحله را پشت سر گذاشته است:

مرحله حقوقی - قراردادی

پایین ترین مرحله از همگرایی نظامی مرحله حقوقی - قراردادی است که اساس همکاری های نظامی را تعیین می کند و همچنین مرزهای اتحاد آینده را مشخص می کند. ماده 6 اساسنامه جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع می گوید که "اعضای جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین المللی همکاری نموده و اقدام های مؤثر خود را در جهت کاهش تسلیحات و هزینه های نظامی انجام خواهند داد. اعضا همچنین خواهان حذف سلاح های هسته ای و خلع سلاح جهانی تحت مراقبت و کنترل شدید جامعه بین المللی هستند.

مفاد توافق نامه پیمان امنیت دسته جمعی تاشکند بیشتر بر امنیت و سیاست دفاعی گذاشته شده بود و رهنمودهایی را برای همکاری بیشتر در این زمینه ها ارائه نمود. مفاد این پیمان بیشتر بر اساس دفاع مشترک و تعیین کننده همکاری و همگرایی نظامی بین کشورهای عضو بود. هدف اصلی این پیمان خدمت به تقویت همگرایی میان جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع و منعکس کننده اهمیت امور نظامی در بین این کشورها می باشد. طی نشست سران جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع در 24 مه سال 2000، یک یادداشت تفاهم در راستای افزایش بهره وری پیمان امنیت دسته جمعی و انطباق آن با شرایط سیاسی کنونی امضا شد. کشورهای عضو توافق کردند که اقدام های عملی و اجرایی را در زمینه ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی و ایجاد ساختار کنترلی جدید انجام دهند. نقطه عطف اصلی در 7 اکتبر سال 2002 برداشته شد که کشورهای عضو منشور کیشینف به تاسیس سازمان پیمان امنیت جمعی پرداختند.

مرحله رسمی و سازمانی

در مرحله نهادی دولت ها به دنبال ایجاد موسسه های ملی و مشترک در اجرای توسعه همگرایی نظامی مندرج در اسناد راهبردی برآمدند و همچنین به تدوین و تصویب

اسناد اضافه شده به منظور اجرای اسناد استراتژیک پرداختند. در 10 فوریه 1995 کشورهای عضو پیمان امنیت جمعی مفهوم امنیت جمعی و مسیر اصلی همکاری‌های نظامی را به تصویب رساندند. هدف اصلی از تحقیق و تفحص در این مرحله مفهوم امنیت دسته جمعی است که خود به مراحل مختلفی تقسیم می‌شود. مرحله اول، ایجاد نیروهای مسلح کشورهای عضو پیمان امنیت دسته جمعی به منظور توسعه نظامی و برنامه‌های همکاری‌های فنی و موافقت با آغاز اجرای آنها؛ مرحله دوم، ایجاد گروه‌های نظامی متحد مشترک و برنامه‌ریزی برای ایجاد یک سیستم دفاع ضد هوایی مشترک و ارزیابی لازم برای شکل‌گیری آن و در مرحله سوم، ایجاد سیستم امنیت جمعی به پایان می‌رسد. به طور کلی تاسیس سازمان پیمان امنیت جمعی به دو مرحله تقسیم می‌شود. مرحله اول که دوره سال‌های 1999 تا 2000 را شامل می‌شود اسنادی از نوع عمومی و سیاسی و بدون تعهدهای عملی به تصویب رسید و در مرحله دوم که از سال 2000 به بعد را شامل می‌گردد، چارچوب قانونی و هنجاری لازم شکل‌گرفته بود و می‌توانست منجر به ایجاد شرایط گسترده‌ای برای همکاری‌های نظامی شود. پس از اجرای این اسناد، سازمان پیمان امنیت جمعی در 7 اکتبر 2002 تاسیس شد. در 16 نوامبر سال 2006 در سنت پترزبورگ تصمیم گرفته شد که برای ساختار اداری جدید سازمان پیمان امنیت جمعی یک مجمع پارلمانی تاسیس شود که وظیفه این مجمع پارلمانی اصلاح چارچوب قانونی وابسته به امنیت کشورهای عضو بود.

مرحله عملیاتی

پس از این که اساس همکاری‌های نظامی ایجاد شد و اهداف خاص شناسایی شدند، اجرای طرح یکپارچه‌سازی نظامی آغاز شد. با توجه به در نظر گرفتن نیازهایی که قبلاً شناسایی شده بودند، ارتش به انجام مانورها و آموزش نیروها به طور مشترک پرداختند. در نشست شورای امنیت جمعی پیمان در بیشکک در سال 2000 تصمیم به ایجاد سیستم کنترل امنیت جمعی متمرکز گرفته شد و بر اساس آن سه سیستم فرعی اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی تعریف گردید که این مسئله باعث پویایی بیشتر پیمان امنیت جمعی شد. ایجاد این زیر سیستم‌های منطقه‌ای نشان دهنده درک متفاوت از تهدید بود. اگر

تهدید اصلی برای کشورهای آسیای مرکزی بنیادگرایی اسلامی بود، بلاروس در اروپای شرقی با طیف وسیعی از مشکلات از جمله گسترش ناتو به شرق مواجه بود.

مرحله وابستگی (همگرایی) بنیادین

سازمان پیمان امنیت جمعی در حال حاضر ساختارهای مشترک و رایجی را که با عناصر مرحله نهایی همگرایی نظامی مطابقت دارد، ایجاد کرده است و احتمال می‌رود که سازمان بتواند در این مسیر حرکت کند. به گفته کارشناسان نظامی فرایندهای جدید به طور اساسی با ساختار جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع متفاوت است؛ چرا که سیستم کنترلی جدید از نیروهای متخصص و در چارچوب ستاد کل فدراسیون روسیه عمل می‌کند. در این مرحله ما شاهد همگرایی و وابستگی بالای نظامی بین روسیه و بلاروس می‌باشیم. ادغام نیروهای نظامی روسیه و بلاروس در زمینه نیروی هوایی ممکن است به بالاترین درجه خود برسد. در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی پروژه‌های دوجانبه و از جمله همگرایی بین روسیه و روسیه سفید می‌تواند به عنوان نمونه‌ای جهت همگرایی نظامی دیگر کشورهای عضو این سازمان در نظر گرفته شود. (Jusutis, 2005: 162-175)

نقش سازمان پیمان امنیت جمعی در امنیت اوراسیای مرکزی

سازمان پیمان امنیت جمعی نه تنها به آموزش افسران کشورهای عضو این سازمان در روسیه می‌پردازد، بلکه از طریق مانورهای نظامی و فروش تجهیزات نظامی به قیمت ارزان به کشورهای عضو، چارچوب مناسبی برای مدرن سازی نظامی این کشورها به حساب می‌آید. از لحاظ ارتقای قدرت و نقش مسکو، سازمان پیمان امنیت جمعی به مراتب نقش فعال‌تری از سلف خود پیمان امنیت جمعی دارد. سازمان پیمان امنیت جمعی علاوه بر اتحاد سنتی در زمینه نظامی، قرار است که برای کمک به ایجاد ارتباط بیشتر بین اعضاء بر روی مسائل مختلف امنیت از جمله نظامی، سیاسی و اقتصادی تمرکز داشته باشد و به مقابله با مشکلات گسترده‌ای که سازمان با آن مواجه است، بپردازد. با چنین دستورکار گسترده‌ای طبیعی است که این سازمان نیاز به نهاد های دائمی دارد که به ترویج و ادغام مسائلی بپردازد که به همکاری‌های نظامی و سیاسی در میان کشورهای عضو منجر شود. (Forest, 2009: 85)

سازمان پیمان امنیت جمعی نوع جدیدی از ساختار امنیتی در حال ظهور است. در طول دهه گذشته این سازمان به صورتی تنظیم گردید تا به ترکیب دو کارکرد اصلی یعنی، مقابله با تهدیدهای نظامی خارجی و مقابله با تهدیدها و چالش‌های جدید بپردازد. در مقابله با تهدیدهای جدید، سازمان پیمان امنیت جمعی مجموعه‌ای از ماموریت‌های صلح‌بانی مشترک و ترویج فعالیت‌های ضد تروریستی را انجام داده است. یکی از عناصر مهم سازمان پیمان امنیت جمعی در زمینه مقابله با چالش‌های جدید، مبارزه با قاچاق مواد مخدر است. سازمان پیمان امنیت جمعی با توجه به عوامل فعلی و بالقوه، ممکن است به یک عنصر حیاتی برای معماری امنیتی اروپا تبدیل شود. سازمان پیمان امنیت جمعی تنها ساختار چند جانبه در منطقه پس از اتحاد جماهیر شوروی است که قادر به انجام عملیات نظامی است، همچنین این سازمان دارای این ظرفیت است که به طور مستقل و یا به عنوان شریک با اتحادیه اروپا، ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا به تامین امنیت بپردازد. این سازمان می‌تواند مانع خوبی جهت جلوگیری از ورود مواد مخدر از افغانستان به اروپا باشد. علاوه بر این می‌تواند به حمایت از تلاش‌های آمریکا و ناتو در افغانستان بپردازد. به طور کلی شاید بتوان گفت که تمرکز اصلی سازمان پیمان امنیت جمعی بیشتر بر روی چالش‌های جدید و نرم است. (Nikitin, 2007: 73)

سازمان پیمان امنیت جمعی از همان ابتدا تاکید کرد، وظیفه اصلی آن مدیریت تهدیدهای جدید و چالش‌ها در حوزه نرم (قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر و مهاجرت‌های غیرقانونی) است. در حال حاضر سوالی مطرح است که آیا باید سازمان پیمان امنیت جمعی را به عنوان سازمان منطقه‌ای امنیت دسته جمعی به حساب آورد که در جهت مدیریت تهدیدهای جدید و چالش‌ها و به طور کلی در زمینه امنیت نرم کاربرد دارد و یا آن را اتحادی سنتی نظامی دانست که در پی به دست آوردن شکل سازمان دفاع جمعی است؛ اگر سازمان پیمان امنیت جمعی به دنبال نقش امنیت جمعی باشد، باید بر توسعه ساختارهای سیاسی تاکید کند و در قلمرو اعضای خود به مواردی از جمله انجام نظارت پیش از مناقشه، ایجاد تحریم‌های هشداردهنده، سازماندهی فرایند مذاکره و اجرای توافق پس از درگیری بپردازد. از طرفی این سازمان برای گسترش خود باید ماموریت خود را برای توسعه هر جنبه‌ای از امنیت برای کشورهای عضو به کار ببرد. برای مثال در آسیای مرکزی در مورد مسائل حساس مربوط به تامین آب، توزیع مجدد برق که همه آنها جزء مسائل امنیت ملی

منطقه محسوب می‌شود، توجه ویژه داشته باشد. اگر سازمان پیمان امنیت جمعی می‌خواهد به یک سازمان که دارای تخصص در امنیت نرم و سپس روابط و مشارکت‌های بین‌المللی است، تبدیل شود، نباید مشابه سازمان‌هایی مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا و یا سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) باشد، بلکه باید شبیه سازمان‌هایی مانند اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک اروپایی بازسازی و توسعه باشد. همه سازمان‌های یاد شده در حال حاضر برنامه‌های بزرگی را جهت توسعه منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در نظر دارند. (Nikitin, 2011: 1)

مشکلات و چالش‌های سازمان پیمان امنیت جمعی

برخی تنش‌های اساسی در سازمان پیمان امنیت جمعی وجود دارد که باعث نگرانی کشورهای عضو آن می‌شود؛ نگرانی‌هایی در مورد مسائل حقوقی و شرایطی که بر اساس آن ساختار نیروهای واکنش سریع می‌توانند در آسیای مرکزی دارا باشند. (Mcdermott, 2009: 2)

هرچند تلاش‌های زیادی برای تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی صورت گرفته است و لافزنی‌های زیادی در مورد تشکیل یک نیروی ضربت سریع (نیروی واکنش سریع) جمعی برای آسیای مرکزی که از گردان‌های ارتش روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تشکیل شده است، صورت گرفته است، اما تا وقتی که هنگ‌های ارتش هر کشور آسیای مرکزی در قلمرو خود مستقر هستند، هیچ اقدام مهمی در این مورد صورت نمی‌گیرد. (بوهر، 1383: 164)

یکی از سناریوهایی که موجب نگرانی کشورهای عضو سازمان پیمان امنیتی گردیده، وضعیت سیاسی و نظامی در این منطقه و به خصوص منطقه آسیای مرکزی است؛ چرا که این منطقه دارای امنیتی پایدار نیست و امکان درگیری کشورهای آسیای مرکزی و همچنین جنبش‌های جدایی طلب وجود دارد. علاوه بر این سازمان‌های تروریستی در این منطقه همچنان فعال باقی مانده‌اند. از طرفی، اختلاف‌ها و منازعه‌ها میان کشورهای عضو از مشکلات عمده کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی است. تعدادی از کشورهای عضو این سازمان بر روی مسائل مختلفی از قبیل تعیین حدود مرزی، استفاده از منابع آبی، چگونگی روابط و همکاری‌های تجارتي با یکدیگر اختلاف‌های عمیقی دارند. این مسئله نه تنها مشکل بزرگی در راه سازمان برای رسیدن به اهداف خود پنداشته می‌شود، بلکه باعث

تزلزل سازمان پیمان امنیت جمعی و بی‌ثباتی آن نیز می‌شود. این مسئله همزمان با سیاست‌های بی‌ثبات روسیه، حتی می‌تواند سبب فروپاشی این سازمان شود. رویکردهای متفاوت برخی از کشورهای عضو این سازمان در حوزه روابط خارجی از دیگر مشکلات و چالش‌های سازمان پیمان امنیت جمعی به شمار می‌رود. گرایش‌های جمهوری آذربایجان و گرجستان برای پیوستن به ناتو، نمونه‌های برجسته رویکردهای متفاوت کشورهای عضو این سازمان در سیاست خارجی آنها می‌باشد. جهت‌گیری ازبکستان نسبت به آمریکا و روسیه نیز از این دست رویکردها است. این کشور در تلاش است، سیاستی را در پیش گیرد تا از وابستگی بیش از حد به هر دو قدرت بزرگ جهان (آمریکا و روسیه) خود را دور نگاه دارد. تاسیس پایگاه‌های نظامی در خاک کشورهای عضو این سازمان که با اجازه برخی کشورهای عضو پیمان و در راستای اهداف آمریکا صورت گرفته است، موجب فاصله گرفتن پیمان از اهداف اولیه خود شده است.

بی‌ثباتی بعضی اعضای سازمان در زمینه همکاری و عضویت آنها در این سازمان یکی از مشکلات عمده سازمان پیمان امنیت جمعی به شمار می‌آید. گرجستان و جمهوری آذربایجان از جمله کشورهایی هستند که با وجود امضای موافقتنامه اولیه در مورد تاسیس این سازمان، بعداً از عضویت این سازمان خارج شدند. ازبکستان نیز در سال 1999 از عضویت سازمان مذکور خارج شد، اما به خاطر تحولات سیاسی منطقه و به خصوص بعد از وقوع حوادث اندیجان، دوباره به عضویت این سازمان درآمد. این مسائل نشان می‌دهد که اعضای این سازمان به صورت جدی روی این سازمان حساب نکرده و در صورت یافتن فرصت بهتر برای پیوستن به سازمان دیگر از این سازمان خارج می‌شوند. البته باید گفت، رفتار این گونه کشورها نسبت به این سازمان زمینه رشد و توسعه این سازمان را در سطح یک سازمان موثر منطقه‌ای از بین می‌برد.

یکی دیگر از چالش‌های این سازمان، عدم درک درست از تهدیدهای مشترک می‌باشد که ممکن است پایه‌ای برای تزلزل سازمان باشد. مجموعه مختلفی از تهدیدها در فضای پسا شوروی وجود دارد. چالش‌هایی نظیر گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق، درگیری‌های قومی، تجزیه طلبی، مشکلات آب، مهاجرت‌های غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و مشکلات دیگر باعث می‌شود تا کشورهای عضو این سازمان تلاش کنند به طور مستقل به

تعیین سلسله مراتب تهدیدها بپردازند و انتخاب این سلسله مراتب ممکن است با انتخاب‌های دیگر کشورها متفاوت باشد.

یکی دیگر از مشکلات و چالش‌های سازمان پیمان امنیت جمعی این است که کشورهای عضو این سازمان با وجود ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی متفاوت، انتظار همکاری برابری را با روسیه دارند و در تلاش برای به دست آوردن حداکثر سود اقتصادی با کمترین تعهدهای سیاسی هستند. هر چند این سازمان به طور بالقوه دارای ظرفیت‌های عمده‌ای است، اما از این ظرفیت‌ها به طور صحیح استفاده نمی‌شود.

سازمان امنیت جمعی دارای مشکلات سازمانی نیز است. یکی از مشکلات سازمانی و سیاسی این سازمان این است که وحدت نظر در میان اعضای این سازمان وجود ندارد. با وجود این که کشورهای عضو توافق کرده اند که آموزش پرسنل نظامی از طریق موسسه‌های آموزش نظامی روسیه انجام گیرد، اما در این زمینه اعضای سازمان با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به صورت پویا همکاری کرده و در صدد گسترش همکاری‌های خود با این نهاد غربی هستند. (Zakharov, 2010: 1-3)

منافع ملی واگرا در میان اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی یکی دیگر از چالش‌های مهم و اساسی این سازمان بوده است. از آغاز شکل‌گیری این پیمان ساختن یک اتحاد در درون آن کار بسیار مشکلی بوده است. به طور کلی، منافع ملی کشورهای عضو بیش از این که دارای همگرایی باشد، دارای درجات گوناگونی از واگرایی بوده است. می‌توان گفت از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون منافع ملی واگرا مانع اصلی جهت جلوگیری از تبدیل این سازمان به یک اتحاد منسجم بوده است.

مخالفت با تصمیم‌های یک‌جانبه روسیه در سازمان، یکی دیگر از مشکلات و چالش‌های سازمان پیمان امنیت جمعی بوده است. در عرصه نظامی اعضای این سازمان در چندین مورد با تلاش‌های شتابزده روسیه در جهت گسترش سازمان مخالفت نشان داده‌اند. در فوریه 2009 در نشست سران سازمان پیمان امنیت جمعی، ازبکستان به مخالفت با ایجاد نیروهای واکنش سریع پرداخت. در اوائل ژوئن 2008 نیز مقام‌های نظامی ارمنستان خواستار افزایش تدریجی کمک‌های نظامی سازمان به ایروان جهت مقابله با جمهوری آذربایجان شدند. به طور کلی، اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی در برابر اهداف بلندمدت مسکو با احتیاط گام بر می‌دارند.

روابط کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی با ناتو و آمریکا یکی دیگر از چالش‌های اساسی در میان سازمان پیمان امنیت جمعی به شمار می‌رود. بهبود روابط دوجانبه آمریکا و ناتو با اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی می‌تواند سبب واگرایی در میان این کشورها شده و از تلاش این کشورها برای به دست آوردن درجه بالایی از مشروعیت بین‌المللی به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای جلوگیری بنماید. بهبود روابط همچنین می‌تواند اراده سیاسی کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی در حمایت از عملیات‌های مختلف در منطقه را تضعیف کند.

یکی از مشکلات عمده کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی و از جمله روسیه مشکلات مالی این کشورها است. این مشکلات باعث می‌شود تا روسیه نتواند به طور منظم به آموزش نیروهای مسلح سازمان پیمان امنیت جمعی بپردازد و همچنین نمی‌تواند تجهیزات جدیدی را جایگزین تجهیزات قدیمی کند. این ناتوانایی روسیه باعث گردید تا برخی از کشورهای عضو این سازمان به دنبال جایگزینی مانند ناتو و یا ایالات متحده برای حمایت مالی بیشتر و امنیت بالاتر باشند. به عنوان نمونه، اگر در این زمینه بخواهیم این سازمان را با ناتو مقایسه کنیم، باید گفت که هزینه سالانه ناتو در حفظ نگهداری از اتحادیه (شامل کارکنان مرکزی، دبیرخانه و ...) حدود 1/5 میلیارد دلار برآورد شده است در حالی که بودجه مربوط به سازمان پیمان امنیت جمعی حدود 5 میلیون دلار است. (Mowchan, 2009:1-6)

بحران قرقیزستان

اگر بخواهیم عملیات سازمان پیمان امنیت جمعی را با مأموریت‌های صلح‌بانی سازمان ملل متحد و یا اتحادیه اروپا مقایسه کنیم، باید گفت سازمان پیمان امنیت جمعی در مدیریت تعارض در منطقه دارای نقش منفعلی می‌باشد. سازمان پیمان امنیت جمعی جهت حفظ امنیت در برابر انقلاب‌های رنگی در منطقه خارج نزدیک، حوادث قرقیزستان، حادثه اندیجان در ازبکستان و همچنین اصطحکاک روابط بین ازبکستان و همسایگان آن واکنشی از خود نشان نداده است. اگر سازمان پیمان امنیت جمعی به طور فعال به دنبال نقش واسطه برای پایان دادن به درگیری، دست‌کم در قلمرو کشورهای عضو خود است، باید توافق‌ها در زمینه عملیات پاسداری از صلح و مقررات نیروهای حفظ صلح را ایجاد کند.

برای دومین بار در طول 5 سال گذشته حوادث سیاسی در قرقیزستان منطقه آسیای مرکزی را تکان داد. با وجود این که قرقیزستان یکی از اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی بود و در زمان وقوع خشونت های قومی در این کشور به طور رسمی از سازمان پیمان امنیت جمعی درخواست کمک کرد، اما با پاسخ منفی سازمان و همچنین روسیه مواجه شد. در این زمینه سازمان نشان داد، دارای محدودیت هایی در زمینه فعالیت های عملیاتی است و سازمان نیاز به اصلاح دارد تا بتواند به حفظ امنیت بپردازد. بعد از این حوادث بود که سران سازمان پیمان امنیت جمعی در نشست خود در ایروان بر لزوم اصلاحات بسیار ضروری در سازمان تاکید کردند. در زمان وقوع بحران قرقیزستان، سازمان پیمان امنیت جمعی به غیر از چند مشاوره و فرستادن کارشناسان و مربیان و برخی کمک های اقتصادی بشردوستانه کمک خاصی به درگیری های خشونت آمیز در این کشور نکرد و عملاً منفعل باقی ماند. (Cooley, 2011: 2)

در نشست سران پیمان امنیت جمعی در مسکو این مسئله که چرا سازمان در بحران قرقیزستان دخالتی نکرد، مورد بررسی قرار گرفت. در این مورد شاهد اظهار نظرهای مختلفی بودیم که هر کدام به موضوع خاصی اشاره کرده بودند. سرگی لاوروف در این مورد با تاکید بر وجود سازمان پیمان امنیت جمعی به عنوان یک عنصر کلیدی برای تضمین امنیت جمعی در منطقه پسا شوروی، گفت که حوادث قرقیزستان نشان داد که سازمان پیمان امنیت جمعی و از جمله نیروهای واکنش سریع نیاز به اصلاح دارند. (Gerach, 2010: 1) در همین زمینه دیمیتری مدودیف با بیان این که سازمان پیمان امنیت جمعی در این حوادث هیچ اشتباه مهلکی را مرتکب نشده است، اشاره کرد سازمان فقط در موارد نفوذ خارجی و تلاش برای تصاحب قدرت است که می تواند به کمک عضو آسیب دیده بشتابد و این در حالی است که تمام مشکلات قرقیزستان دارای ریشه های داخلی است. (Elder, 2010: 2)

اسلام کریم اف، رئیس جمهور ازبکستان نیز در مورد عدم دخالت سازمان پیمان امنیت جمعی در این بحران تاکید کرد، وظیفه اصلی این سازمان در درجه اول حفاظت از کشورهای عضو در مقابل تهدیدهای خارجی است و هرگونه دخالت سازمان در اقدام های به اصطلاح خشونت آمیز در درون هر کدام از کشورهای عضو غیر قابل قبول است. (Makhovsky, 2010: 1) البته باید این نکته را نیز یادآور شد که وظایف سازمان پیمان امنیت جمعی صرفاً در قبال تهدیدهای خارجی محدود نمی شود، بلکه دفاع در مقابل

تهدیدهای جدید نسبت به امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی همچون تروریسم، حمل و نقل موارد مخدر، قاچاق اسلحه و جنایات سازمان یافته را نیز شامل می‌گردد. (یانسن، 182:1382)

نتیجه‌گیری

سازمان پیمان امنیت جمعی سازمانی است که موجب بحث میان برخی از تحلیلگران درباره ارزش و میزان تاثیرگذاری آن شده است. بیشتر ناظران بر این باور هستند که عملکرد سازمان پیمان امنیت جمعی در مدیریت و انجام امور مهم ناموفق بوده است. این سازمان قادر نبود تا جنگ داخلی در تاجیکستان را متوقف کند و یا از درگیری‌های ملی در آبخازیا و اوستیای جنوبی جلوگیری کند. این سازمان حتی در جریان انقلاب‌های رنگی و همچنین حوادثی از قبیل ناآرامی‌های قرقیزستان نیز نتوانست واکنش موثری از خود نشان دهد.

شاید بتوان گفت که سازمان پیمان امنیت جمعی همان پیمان امنیت جمعی گذشته است که تنها تلاش داشته است، برخی عناصر و زیرساخت‌های امنیتی دوران اتحاد جماهیر شوروی را حفظ کند. شاید بتوان گفت، عدم وجود نتایج ملموس در این سازمان باعث شد، برخی از اعضای اولیه این سازمان از آن کناره‌گیری کنند. تاثیرگذاری اندک سازمان پیمان امنیت جمعی به همراه منابع محدود آن نیز ظاهراً دلیل دیگری بوده است که هیچ کشوری در منطقه برای پیوستن به این سازمان اعلام آمادگی نکرده است. به نظر می‌رسد کشورهای منطقه تمایل دارند که برای حفظ امنیت خود بیشتر با نهادهای غربی و از جمله ناتو که دارای قابلیت‌های به مراتب قوی‌تری از سازمان پیمان امنیت جمعی است همکاری کنند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که سازمان پیمان امنیت جمعی بر خلاف سازمان ناتو یک سازمان منطقه‌ای است که به کشورهای کمک می‌کند، امنیت مرزهای جنوبی خود را تامین کنند و همچنین با تهدیدهایی از قبیل تروریسم، بنیادگرایی، قاچاق مواد مخدر مبارزه کنند.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان سازمان پیمان امنیت جمعی را با سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و یا دشمن آن در جنگ سرد یعنی پیمان ورشو مقایسه کرد؟ این مقایسه به دلایلی از جمله اهداف متفاوت سازمان پیمان امنیت جمعی با ناتو، کمبود منابع مالی این سازمان و راه‌اندازی فعالیت‌های خود به نمایندگی از کشورهای عضو، صحیح نیست؛ چرا که ناتو تلاش زیادی برای رسیدن به کشورهای غیر عضو می‌کند. از طرفی، نمی‌توان سازمان پیمان امنیت جمعی را با پیمان ورشو مقایسه کنیم؛ چرا که در نخست پیمان ورشو یک

پیمان داوطلبانه نبود و کشورها آزادی خروج از آن را نداشتند و دوم این که پیمان ورشو از لحاظ گستره جغرافیایی کل اروپای شرقی را شامل می‌شد؛ در حالی که سازمان پیمان امنیت تعداد محدودی از کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی را شامل می‌شود.

از طرفی، باید در نظر داشت که ایجاد و توجه به این پیمان قبل از آنکه به خاطر منافع همه کشورهای عضو باشد در راستای منافع روسیه شکل گرفته و مشکلات نظامی و مالی کشورهای عضو اهمیت و موضوعیت این پیمان را با مشکل مواجه ساخته است. در حال حاضر که مسئله گسترش ناتو به شرق مطرح است، بار دیگر شاهد اهمیت یافتن این سازمان در منطقه به ویژه برای روسیه می‌باشیم، لذا نمی‌توان امیدي به قدرت یافتن طولانی مدت و تاثیرگذاری مؤثر این پیمان داشت؛ زیرا منافع و جهت‌گیری‌های سیاسی روسیه به این پیمان اهمیت منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد این سازمان بیشتر ابزاری در دست قدرت‌های منطقه‌ای چون روسیه بوده تا با بیان اهدافی کلی در آن از پیوستن کشورهای عضو به جبهه غرب جلوگیری کند؛ در حالی که خروج برخی اعضا اهمیت وجودی این سازمان را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. از سوی دیگر، تلاش کشورهای غربی و آمریکا برای نفوذ در کشورهای عضو موفق بوده است و روسیه را در دستیابی به اهداف خود در ارتباط با این پیمان به چالش کشانده است. (شریف دهجی، 1:1389)

در واقع، می‌توان گفت که سازمان پیمان امنیت جمعی بیشتر به محل توافق‌های دوجانبه کشورهای عضو با روسیه تبدیل شده است. تنها نکته مفید سازمان این می‌باشد که در ظاهر کشورهای عضو دو بار در سال دور هم جمع می‌شوند تا نسبت به مطیع بودن در برابر برادر بزرگتر سر تعظیم فرود آورند و در عوض آن از منافع مختلف اقتصادی و نظامی روسیه منتفع شوند.

در حال حاضر هیچ ضمانتی وجود ندارد که این سازمان بتواند از عهده وظایف خود بر آید. سازمانی که دو دهه از موجودیت آن می‌گذرد، نتوانسته در انجام ماموریت اساسی خود یعنی تامین امنیت اعضای سازمان موفق عمل کند. این مساله نتیجه کم‌کاری اعضای کلیدی سازمان و به خصوص روسیه است.

منابع و مأخذ

1. ابوالحسن شیرازی، حبیب ا... (1379)، " ترتیبات امنیتی در آسیای مرکزی "، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 30.
2. بوهر، آنت (1383)، " همکاری‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیک جدید در آسیای مرکزی " ترجمه، شهرام ترابی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 45.
3. ارگانسکی، ای، اف، ک (1344)، " سیاست جهان "، ترجمه، حسین فرهودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
4. بیلس، جان و استیو اسمیت (1388)، " جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها) "، جلد اول، مترجم ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران انتشارات ابرار معاصر، چاپ دوم.
5. قاسمی، فرهاد (1384)، " اصول روابط بین الملل "، تهران: نشر میزان.
6. کاظمی، علی اصغر (1370)، " نظریه همگرایی در روابط بین الملل "، تهران: نشر قومس.
7. یانسن، لنا (1382)، " روسیه و آسیای مرکزی بعد از 11 سپتامبر 2001 "، ترجمه قاسم ملکی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 41.

8. Baldwin, David. A (1997), "**The Concept of Security**", Review of International Studies, Vol.15. No.23.
9. Cooley, Alexander (2011), "**The Kyrgyz Crisis and the Political Logic of Central Asia's Weak Regional Security Organizations** ", Ponars Eurasia Policy Memo No. 140.
10. Forest, Alexander (2009), "**The Collective Security Treaty Organization, the Shanghai Cooperation Organization, and Russia's Strategic Goals in Central Asia**", Central Asia – Caucasus Institute Silk Road Studies Program, Vol. 7, No. 3.
11. Ionla Pop, Irina (2009), "**Russia, Eu, NATO and The Strengthening of The CSTO in Central Asia** ", Caucasian Review of International Affairs, Vol. 3.No.3.
12. Jusutis, Gruzvydas (2005), "**Collective Security Treaty Organization: Military Integation Problems and Perspectives in the CIS Space** ", the Institute of International Relations and Political Sciences, University of Vilnius, Website of the Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation: www.mid.ru, 8 December.
13. M. Brill Olcott, A. Aslund, S. Garnett (1999), "**Getting It Wrong Regional Cooperation and the Commonwealth of Independent States** ", Washington.

14. Mcdermott, Roger (2009), " **Tashkent and Dushanbe Cautious on CSTO Forces** ", Publication: Eurasia Daily Monitor Vol. 6 Issue: 27 February.
15. Mowchan, A. John (2009), " **The Militarization of the Collective Security Treaty Organization** ", Center for Strategic Leadership, U.S. Army War College, Vol.6-9, July.
16. Nikitin, Alexander (2007)," **Post-Soviet Military-Political Integration: The Collective Security Treaty Organization and its Relations with the EU and NATO** ", Central Asia– Caucasus Institute Silk Road Studies Program, Vol. 5, No.8.
17. Paramonov, Vladimir and Golegstol Povski (2008)," **Russia and Central Asia: Multilateral Security Cooperation** ", Central Asian Series, Vol.8, March.
18. Saat, j.h (2005)," **The Collective Security Treaty Organization** ", Conflict Studies Research Center, Central Asian Series, Vol.9.No.5, February.
19. Sheehan, Michael(2005), " **International Security: An Analytical Survey**", Lynne Rienner Publication.
20. Zakharov, Vladimir (2010), " **Problems of Stability of CSTO** ", **Nezavisimoe Voennoe Obozrenie**, No. 41, October 29 – November.
21. Collective Security Treaty Organization (CSTO) (2011), <http://www.globalsecurity.org/military/world/int/csto.htm>(accessed 2011/27/5)
22. Nikitin, Alexander (2011)," **The Collective Security Treaty Organisation: New Regional Security Patterns and Prospects for Reforming Regional**", Peacekeeping, kms1.isn.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/119155/...a96c.../8.CSTO.pdf (accessed 2011/20/6).
23. Muzalevsky, Roman(02/25/2009)," **CSTO Rapid Reaction Force Reveals Russia's Security Priorities** ", issue of the Caci Analyst, <http://www.cacianalyst.org/?q=node/5055>(accessed 2011/14/7).
24. Elder , Miria (2010)," **Kyrgyzstan Tests Russia's Regional Commitments**", June 15, GlobalPost, <http://www.globalpost.com/dispatch/russia/100614/kyrgyzstan-ethnic-violence>.(accessed 2011/20/6).
25. Makhovsk, AndreI (2010), " **Reuters, Belarus leader Raps Russia, may Snub Security Summit** ", Sun Apr 25, 2010 8:05am EDT <http://www.reuters.com/article/2010/04/25/us-belarus-russia-idUSTRE63O0PT20100425> (accessed 2011/16/8).
26. Gerac, Olga (2010)," **CSTO Establishes Joint Defense Force**", December 16, http://rbth.ru/articles/2010/12/16/csto_establishes_joint_defense_force05214.html(accessed 2011/27/9).